

هنگامی که ۱۰ فرمان را خواندیم متوجه شدیم که هرچند آنها خوب و پاک هستند، مردم نمی توانند آنها را رعایت کنند. به همین دلیل مهم است که در مورد ایمان صحبت کنیم. زیرا وقتی از ایمان صحبت می کنیم، خدا به ما نشان می دهد چگونه می توانیم به ایمان برسیم، با وجود اینکه گناهکار هستیم. برای این کار خود خدا باید به عنوان واسطه بین ما و خودش وارد شود. خدا این کار را از طریق عیسی و از طریق روح القدس انجام می دهد. در این قسمت با آن اصول آشنا خواهیم شد. اما قبل از آن مهم است که به طور کلی در مورد گناه صحبت کنیم و از خود بپرسیم که چرا اصلاً نمی توان فرمانهای خدا را که خوب هستند، حفظ کرد.

### گناه ارثی



اگر ما به این اعتقاد داشته باشیم که می توانیم گناه های خودمان را پاک کنیم یا می توانیم ده فرمان را کامل رعایت کنیم، دیگر به عیسی و روح القدس نیازی نخواهیم داشت. ما در انجیل این را یاد می گیریم که نمی توانیم به تنهایی گناه هایمان را از بین ببریم. گناه قدرتی است که در طول زندگی بر ما فشارهای زیادی می آورد و در لحظه مرگ هم ما را به فنا می برد. از این رو بزرگترین دروغ شیطان به ما این است که هیچ گناهی وجود ندارد. و یا دروغی دیگر این است که اصلاً شیطانی وجود ندارد. کسی که بگوید شیطان و گناهی وجود ندارد شبیه یک دکتر است که به جای تشخیص دقیق مرضی یک بیمار در حال مرگ، با تجویز یک قرص ساده او را گول می زند و آن بیمار جانش را از دست می دهد. همین مقایسه هم برای مقوله گناه صدق می کند. یعنی اگر کسی از وجود گناه خبر نداشته باشد، نمی داند که چرا باید به عیسی و روح القدس نیاز داشته باشیم.

«. شریعت موسی بین گناهایی که دانسته مرتکب شده اند و گناهایی که ندانسته مرتکب شده اند، تمایز قائل می شود. اما آیا این تمایز فقط نشان نمی دهد که گناهکار چقدر گم شده است؟ زیرا کسی که ندانسته مرتکب گناه می شود، از همان چشمه ای زهر می نوشد که فرد آگاه به گناه مرتکب آن می شود. یک مثال از کشور ما آفریقای جنوبی: وقتی یک روز نزدیکی خانه ی قدیمی خود در یک منطقه بسیار خطرناک بودم، به یاد این گناه ناشناخته افتادم. ما فقط می توانستیم با اسکورت پلیس به آن محل نزدیک شویم. اما وقتی رسیدیم به نظر رسید که خطری نبود. کودکان در شن بازی می کردند و به این سو و آن سو می دویدند. سپس یک افسر پلیس چیزی تکان دهنده گفت: "وقتی خورشید غروب می کند، این بچه ها مسلح به جلو فرستاده می شوند تا ما را بکشند." شما نمی توانید همچنین چیزی را تصور کنید، زیرا بچه ها بسیار معصوم به نظر می رسیدند. از خودم پرسیدم: اگر بچه ها مرتکب قتل شوند، مقصر کیست؟ این سوال ما را آشکارا به قابیل و هابیل بازگشت می دهد. چون اولین برادرکشی دلیل خاصی داشت. از چشمه بدی که آدم و حوا قبلاً از آن نوشیده بودند می آمد. از این سرچشمه شرارت، طغیان علیه خدا، و همه شرارت هایی که در جهان شاهد هستیم، سرچشمه می گیرد. همه ما از این منبع می نوشیم. عیسی مسیح این همه بدبختی انسان را می بیند. می بیند که گرفتاری گناه آنقدر زیاد است که ما در برابر آن درمانده ایم. می بیند که داریم به سمت پرتگاه می رویم و ممکن است آنقدر در گناه خود گرفتار شویم که حتی متوجه آن نشویم. حتی ممکن است بخواهیم گناه را انکار کنیم، آن را پنهان کنیم یا با بسیاری از کارهای خیر آن را تبرئه کنیم. یا ممکن است خودمان را گول بزنیم. ناجی ما همه اینها را می بیند و دعا می کند: "پدر، ببخش!"

اصول گناه ارثی تفاوت بین اسلام و مسیحیت را نشان می دهد.

در اسلام فرد این را یاد می گیرد که گناه چیزی است که فرد آن را انجام می دهد: بدین صورت که در اسلام هر شخص بدون گناه یعنی (فطره) به دنیا می آید و در طول زندگی بدی به او روی می آورد. ما این نظریه را می توانیم در قرآن در سوره 30 آیه 30 بخوانیم:

قرآن گناهی را که باعث شد آدم از بهشت رانده بشود قبول دارد ولی این را رد می کند که این گناه متعلق به ما تک تک انسان هاست. گناه در اسلام اینگونه تعریف می شود که هر شخص در دادگاه خدا با آن عملی روبه رو خواهد شد که در طول زندگی انجام داده است. با این نظریه هر انسان این امکان را دارد که برای خودش در مقابل گناه تصمیم بگیرد که آیا آن را انجام بدهد یا نه. با توجه به این اسلام دیگر نیازی به هیچ ناجی و عیسی ندارد. و یا نیازی به روح القدس ندارد که بر روی زندگی انسان ها قرار داشته باشد. و همه اینها را یک انسان می تواند بر طبق نظر اسلام به تنهایی جبران کند.

ولی انجیل به مقوله گناه عمیق تر می نگرد .

اگر ما بخواهیم درباره گناه دقیق بدانیم که به چه معنی است باید به داستان آفرینش در انجیل مراجعه بکنیم. (اول پیدایش ۳، ۱...۱) در آنجا، اولین بار است که فرمان خدا شکسته می شود. در آنجا به ما روشن می شود که چقدر گناه بر ما تسلط دارد. وقتی ما داستان انجیل را می خوانیم، باید بدانیم که در آنجا موضوع بر سر دزدیدن یک سیب نبوده است، بلکه بسیار عمیق تر از این مقوله هاست. و آن هم این است که شیطان به اعماق وجود انسان نفوذ می کند. او ابتدا سعی می کند که حوا را به شک بیندازد و فرمان خدا را بی ارزش جلوه دهد و در ادامه ایمان او را از او می گیرد و به او می گوید که شما هرگز نخواهید مرد و در انتها شیطان به آنها می گوید که شما همانند خدا خواهید شد. در داستان آفرینش ما به ریشه ی گناه می رسیم. و در ادامه نیز شاهد این هستیم که فرزندان این ها هم به یک جدایی از هم دچار می شوند که به قتل یک برادر منجر می شود.

همه این داستان ها در انجیل نیامده است که ما شگفت زده بشویم. بلکه این را باید بدانیم که گناه آدم و حوا به همه ما انسان ها مرتبط می شود . ما همه از آن سهم داریم.

گناه به وسیله ی یک انسان به جهان وارد شد و این گناه، مرگ را به همراه آورد. در نتیجه، چون همه گناه کردند مرگ همه را دربرگرفت. (رومیان ۵، ۱۲)

یک سوال: حال چرا آفرینش خوبی مثل انسان باید به گناه دچار باشد؟ آیا خدا در آفرینش خودش نقصی نیز آفریده ؟

جواب: خدا انسان را آفرید تا موجود خوبی باشد. بخشی از نیکی انسان این است که خدا از روی محبت به انسان آزادی داده تا او در مقابل خدا آزادانه تصمیم بگیرد. ولی انسان از این آزادی بر ضد خدا استفاده کرده و فرمان خدا را شکسته است.

موجودیت گناه: طبق گفته های انجیل ، گناه چیزی است که انسان را به بردگی می کشاند(رومیان ۶ ، ۱۶) و انسان خودش را به آن می فروشد. (رومیان ۷، ۱۴) و به طوری او را نا امید می کند که انسان دیگر جلوی خودش راه نجات بخشی نمی بیند و قدرتی در خودش نمی یابد و نمی تواند درباره آن حدسی بزند. (رومیان ۷ ، ۱۱) و برای همین انسان به عنوان مجازات ، مرگ را دریافت می کند( رومیان ۶، ۲۳) و برای اینکه این گناه به این اندازه زیاد بر روی ما تسلط دارد پس نتیجه می گیریم که بجز خداوند کسی دیگری نمی تواند ما را از آن نجات دهد.

حال ممکن است بگویید گناه بدهکاری شخصی آدم و حواست است و در نتیجه مسئولیت پاسخگویی برعهده ی آنهاست. برای همین در زمان های دور کلمه گناه اجدادی به وجود آمد. ما نباید این نوع گناه را با یک بیماری ارثی اشتباه بگیریم. یعنی به عبارتی این گناه در خون پدرانمان نبوده که ما از آنها به ارث برده باشیم مثل مرض قند که یک شخص از مادرش می گیرد. و اگر من گناه ارثی را اینگونه متوجه بشوم دیگر مسئولیتی نخواهم داشت. در این صورت من می توانم تمام بدهی ها و چیزهای زندگی ام را به اجدادم مرتبط بدانم و آنها را مسئول بنامم. گناه زنجیره ای هم به این معناست که یک گناه از آدم و حوا تا به امروز به همه انسان ها به همانند یک زنجیر متصل

شده است و ادامه دارد. ولی عبارت گناه در انجیل بمانند یک چیز شخصی است. اعمال گناه آلود من و میل به ارتکاب گناه در من چنان به یکدیگر نزدیکند که نمی توانم آنها را از هم جدا بدانم. من همیشه در حال گناه بوده و مسئول آنها هستم. چیزی که باید تغییر کند فقط یک سری از اعمال گناه آلود من نیست. و یا من نباید فقط به یک اندازه نسبی آدم خوبی باشم تا برکات خدا را دریافت بکنم. این تغییر بسیار عمیق تر از این گفته هاست، زیرا انسان باید بطور کل ، انسان جدیدی بشود.

عیسی به یکی از فریسیان بنام نیکودیموس می گوید:

«یقین بدان تا شخص از نو تولّد نیابد نمی تواند پادشاهی خدا را ببیند.»

فهمیدن این صحبت برای انسان های امروزی بسیار آسان نیست. زیرا انسان ها برای هر یک از مشکلات زندگی خودشان راه حلی دارند و بدین ترتیب آنها می توانند گناهانشان را کمتر کنند. برای هر مشکل باید یک قرص و یا روانشناسی خاص وجود داشته باشد. بعضی از انسان ها هم به این اعتقاد دارند که اعمال گناه آلود فقط مرتبط به چیزهای بد اطراف ما هستند و به فهم و درک ما ربطی ندارند و از این رو ما می توانیم به تنهایی بر آنها پیروز شده و پاک بشویم. ولی همه اینها چیزهای ناامیدکننده ای هستند از طرف شیطان که به ما می گوید که دیگر نیازی به ناجی ما یعنی عیسی نداریم.

**Martin Luther** در اینجا توضیح می دهد که: انسان در یک چهار دیواری به دنیا می آید و همیشه به دور خود دیوارهای بیشتری می کشد و جای خودش را تنگ تر می کند. گناه چیزی نیست که از انسان سر بزند، بلکه چیزی است که بر او غلبه کرده است و در درون او حضور دارد. و این قدرت زیاد را فقط خداوند و از طریق عیسی می تواند از بین ببرد:

رومیان ۵، ۱۸-۱۹ «پس همان طور که یک گناه موجب محکومیت همه آدمیان شد، یک کار کاملاً نیک نیز، باعث تبرئه و حیات همه می باشد. 19 و چنانکه بسیاری در نتیجه بی اطاعتی یک نفر، گناهکار گشتند، به همان طریق، بسیاری هم در نتیجه اطاعت یک نفر، کاملاً نیک محسوب خواهند شد.»

گناه ارثی انسان فقط به احساس او ربط پیدا نمی کند، بلکه به درک او نیز بر می گردد. به همین دلیل یک انسان نمی تواند خداوند را از طریق تفکرات انسانی خودش پیدا کند. باید از بیرون و توسط کلام خدا و روح او تاثیر بپذیرد تا نجات یابد.